



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Claiming compensation for the death of traffic accident victims by the guilty heir from the third party insurance policy

I. Ghasemi Gardeh*

Department of International Trade Law, Islamic Azad University, Damghan Branch, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 07 July 2012

Revised: 10 August 2012

Accepted: 26 August 2013

Keywords

*Third Party Motor Insurance;
Blood Money; Confusion;
Responsibility; Culprit.*

ABSTRACT

Demanding compensation from insurance companies for the victims of driving accidents by the culprits of the accident is one of the insurance claims that are raised in the courts based on the insurance policy and the third party insurance law. Considering the protective aspect of the third party insurance law, the culprits believe that the scope of protection of this law includes any legal disputes arising from driving accidents and regardless of the rules of civil liability, the rule of action and other related grounds, the heirs of the guilty party are entitled to claim damages from the insurer. On the other hand, in the opinion of insurers, although the basis of the third party insurance law is based on public interest, but considering the direct purpose of this law, which is to protect third parties, and considering the contractual aspect of third party insurance and the system governing civil liability, it should be considered Due to the impossibility of claiming by the culprit of the accident. Each of the parties is trying to defend their position by resorting to the contractual and legal aspects of third party insurance. This article, while reviewing the opinions, tries to measure the conformity and contradiction of each with the legal rules and social interests.

***Corresponding Author:**

Email: isaghasemi@gmail.com

DOI: [10.22056/ijir.2014.02.06](https://doi.org/10.22056/ijir.2014.02.06)



مقاله علمی

مطالبه دیه فوت قربانیان حوادث رانندگی توسط وارث مقصراً از محل بیمه‌نامه شخص ثالث

* عیسی قاسمی گردد*

گروه حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، ایران

چکیده:

مطالبه دیه قربانیان حوادث رانندگی توسط مقصرين حادثه از شركت‌های بیمه یکی از دعاوی بیمه‌ای است که به استناد بیمه‌نامه و قانون بیمه شخص ثالث در دادگاه‌ها مطرح می‌شود. مقصرين با توجه به جنبه حمایتی قانون بیمه شخص ثالث، اعتقاد دارند که گستره حمایتی این قانون هرگونه اختلاف حقوقی ناشی از حوادث رانندگی را دربرمی‌گیرد و بدون توجه به قواعد مسئولیت‌مندی، قاعده اقدام و سایر مبانی مربوط قائل به استحقاق وارث مقصراً در مطالبه خسارات از بیمه‌گر می‌باشند. ازسوی دیگر به نظر بیمه‌گران گرچه مبانی وضع قانون بیمه شخص ثالث ناشی از مصلحت عمومی است، اما با توجه به هدف مستقیم وضع این قانون که حمایت از اشخاص ثالث است و با توجه به جنبه قراردادی بیمه شخص ثالث و مجموعه نظام حاکم بر مسئولیت مدنی باید قائل به عدم امکان مطالبه توسط مقصراً حادثه بود. هر کدام از طرفین با توصل به جنبه قراردادی و قانونی بیمه شخص ثالث در صدد دفاع از موضع خود می‌باشند که این مقاله ضمن بررسی نظرات، تلاش دارد مطابقت و مغایرت هریک را با قواعد حقوقی و مصالح اجتماعی بسنجد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۷ تیر ۱۳۹۱

تاریخ داوری: ۲۰ مرداد ۱۳۹۱

تاریخ پذیرش: ۰۴ شهریور ۱۳۹۲

كلمات کلیدی

بیمه شخص ثالث

دیه

مالکیت‌فی‌الذمه

مسئولیت

مقصر

*نویسنده مسئول:

ایمیل: isaghaseemi@gmail.com

DOI: [10.22056/ijir.2014.02.06](https://doi.org/10.22056/ijir.2014.02.06)

مقدمه

مسئولیت مدنی در حقوق ایران تحت عنوانین مختلف بررسی می‌شود که هرکدام نظام حقوقی خاص خود را دارد. برای نمونه قواعد حاکم بر اتفال اموال در قانون مدنی، تقصیر مرتكب را در مسئولیت وی مؤثر نمی‌داند؛ در حالی که در چهارچوب قانون مسئولیت مدنی، صرفاً مقصراً است که مسئول قلمداد می‌شود و باید جبران خسارت نماید. از طرفی در رویکرد قانون مجازات اسلامی در عین حال که تقصیر مقصراً باعث مسئولیت در جبران خسارت است، در موارد استثنایی نیز همانند قواعد مربوط به عاقله از این اصل عدول شده است. در این میان مقررات قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسائل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث که از این پس از آن با عنوان قانون بیمه شخص ثالث یاد خواهیم کرد، قواعد نوینی را به سامانه حقوق مسئولیت مدنی افزوده است که در پی آن روابط و مسائل حقوقی تازه‌ای به وجود آمده که طرف‌های این رابطه بیمه‌گر، بیمه‌گذار و زیان‌دیده ثالث می‌باشند. مراجعة رانندگان مقصراً در حوادث رانندگی به بیمه‌گران برای مطالبه دیه فربانیانی که در اثر تقصیر راننده کشته شده‌اند، یکی از مسائلی است که دادگاهها و شرکت‌های بیمه با آن مواجه‌اند. عناصر تشکیل‌دهنده مناقشه مزبور عبارت‌اند از: بیمه‌نامه شخص ثالث به عنوان قرارداد بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر؛ تقصیر راننده در مرگ مورث خود به عنوان سبب ایجاد مسئولیت مدنی؛ مطالبه خسارت از بیمه‌گر توسط مقصراً حداثه به عنوان ذینفع ثالث. بدیهی است هر یک از طرفین مناقشه مزبور با توصل به دو مسئولیت قهری و قراردادی از موضع خود دفاع می‌کنند که با بررسی نظرات و مبانی هریک و با سنجش و مطابقت آنها با قواعد حقوقی و خرد اجتماعی می‌توان به میزان وجاhest و درستی آنها پی‌برد.

انگیزه انتخاب موضوع و هدف تحقیق

مواردی که ضرورت پرداختن به موضوع و تبیین جایگاه بیمه‌نامه و قانون شخص ثالث و مقررات ارث و سایر مقررات مرتبط را مشخص می‌کند عبارت‌اند از:

دعاوی متعدد حقوقی طرح شده علیه شرکت‌های بیمه از طرف مقصرين حادث رانندگی جهت گرفتن غرامت فوت فربانیانی که در اثر تقصیر خواهان، کشته شده‌اند؛ صدور آرای معارض دادگاهها با تکیه صرف بر اطلاعات کلی از قانون بیمه شخص ثالث؛ استنباط نابجا از احکام قانونی مرتبط با حوادث رانندگی و افراد در تأکید به نگاه حمایتی قانون مزبور تا جایی که امکان نقض غرض قانون گذار در حمایت از زیان‌دیدگان را فراهم می‌آورد؛ تسری احکام خاص و استثنایی به موارد مشابه که برخلاف اصول تفسیر و استنباط است؛ خلط مباحث مربوط به ارث و حقوق قراردادها که هریک در عرض یکدیگر از اسباب مالکیت می‌باشند.

هدف این مقاله، روشن نمودن جایگاه نظریه تقصیر در قانون بیمه شخص ثالث و بررسی قوانین مرتبط با حوادث رانندگی است و همچنین تأکید بر این امر که دادگاه‌ها حتی هنگام اعمال قوانین در جهت حمایت از افراد جامعه باید پایبند به اصول تفسیر و مبانی حقوقی باشند و موجبات نقض غرض قانون گذار را به وسیله حمایت از مقصرين حادث رانندگی به وجود نمایورند.

فرضیه‌ها

فرض نخست اینکه، تفسیر ماده ۸۸۰ قانون مدنی به نفع مدعی، در دعواهی که از سوی مقصراً حداثه جهت گرفتن دیه متوفی علیه بیمه‌گر طرح می‌گردد، نابجا است. اگرچه ارث، قهری است، ولی در مواردی که مقصراً حداثه ابتدا و بیمه‌گر متعاقباً مسئول پرداخت دیه است، مالکیت‌مافي الذمه به عنوان یکی از اسباب سقوط تعهد به وقوع پیوسته و زمینه و بستر اعمال مقررات ارث را ازین‌می‌برد. به عبارت دیگر در این مقاله در صدد آن هستیم که اثبات نماییم، مطابق اصول کلی و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی (اعم از مسئولیت قهری و قراردادی) در مواردی که خود قاتل، وارث متوفی است، اساساً دیه ارث محقق نشده است تا بتوان به استناد ماده ۸۸۰ قانون مدنی آن را تملک کرد.

فرضیه دوم این است که نظریه موافقین پرداخت دیه متوفی به مقصراً حداثه، نه تنها غیر منصفانه است بلکه با روح قوانین حاکم بر مسئولیت مدنی از جمله قانون مسئولیت مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون بیمه شخص ثالث و سایر قوانین پراکنده در باب مسئولیت مدنی نیز مطابقت ندارد.

روش شناسی پژوهش

این مقاله ضمن بررسی آرای هرچند محدود دادگاهها و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اخذ نظر بیمه‌گران و وكلای مدعيان تلاش دارد با یافتن تحلیلی درست از موضوع به راه حلی معقول و عادلانه جهت استفاده شرکت‌های بیمه و دادگاهها دست یابد. لذا ابتدا به بیان نظر مخالفان و موافقان و ارزیابی هرکدام از نظرها پرداخته و سپس مسائل مؤثر بر موضوع را بررسی کرده تا مغایرت یا مطابقت این ادعا - یعنی مطالبه دیه از بیمه‌گر توسط مقصّر حادثه - با قواعد حقوقی، قانون بیمه شخص ثالث و مصالح اجتماعی مشخص گردد.

مبانی مسئولیت مدنی و بیمه مسئولیت

نظریات حقوقی درباره مبنای مسئولیت مدنی

به طور سنتی مبانی مسئولیت مدنی بر دو نظریه استوار است: تقصیر و ریسک یا خطر (لوراسا، ۱۳۷۵). مبنای تقصیر در مواردی به کاربرده شده که قانون‌گذار جبران خسارت زیان دیده را مشروط و مقید به اثبات تقصیر و خطای مرتكب نموده است. یعنی در این نوع از مسئولیت، زیان دیده باید ارکان مسئولیت مدنی را اعم از ورود ضرر و رابطه سببیت اثبات کند. معیار تشخیص این نوع مسئولیت، رفتار مرتكب است، بدین معنی که وی در صورتی محکوم به جبران زیان وارد خواهد شد که رفتارش خطاکارانه شناخته شود.

بر عکس در مسئولیت مبتنی بر خطر که از آن به مسئولیت نوعی نیز باد می‌شود، ضابطه تشخیص فقط، احراز رابطه سببیت بین رفتار مرتكب و زیان وارد است. اینکه عمل مرتكب مشروع بوده است یا نه، دلالتی در مسئولیت وی ندارد. در این نوع از انتساب مسئولیت فقط اثبات عوامل خارجی مانند قوه قهری و فعل شخص زیان دیده است که مرتكب را از بار تعهد می‌رهاند.

با تحول اجتماع و ایجاد خسارات سنگین جانی، اگرچه به کاربردن نظریه خطر، بدون نیاز به اثبات تقصیر مرتكب باعث مسئول شناخته شدن وی می‌شد، ولی اغلب عجز مالی مرتكب، زیان دیده را بدون جبران باقی می‌گذاشت. این امر باعث شد که بستر و زمینه ایجاد سامانه جبران بدون قید و شرطی در برخی کشورها به وجود بیاید که از آن به نظریه تضمین حق، یاد شده است. طبق این نظریه هر کس حق دارد در جامعه خود سالم و ایمن زندگی کند و حقوق او تضمین شود. هیچ کس حق ندارد حقوق و سلامتی و ایمنی زندگی دیگران را به خطر اندازد. پس به محض اینکه حقی از بین رفت و زیانی وارد شد باید جبران شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷ الف). به علت حیاتی بودن سلامت افراد جامعه و تهدید شدن سلامت آنان با اختراعات جدید، این نوع از حمایت عمومی از زیان دیده در خسارات جانی مرسوم شده است. در اجرای این نظریه، دولت، چتر حمایتی خود را بر سر زیان دیدگان گشوده و خسارت آنان را جبران می‌نماید (بوشهری، ۱۳۸۳). به نظر مرجعی، قانون گذار در وضع ماده ۱۰ قانون بیمه شخص ثالث (محمد صالحی، ۱۳۷۲) و ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی به این نظریه توجه داشته است.

بیمه مسئولیت و بیمه شخص ثالث

هر شخصی امکان دارد به‌واسطه فعالیت حرفه‌ای که در اجتماع انجام می‌دهد زیانی به دیگری برساند. این زیان باعث می‌شود که دارایی مرتكب، به‌واسطه مطالبه زیان دیده جهت جبران خسارت، در معرض خطر قرار بگیرد. در صورتی که امکان دفع خطر موجود نباشد، بهترین واکنش به آن، انتقال خطر است. در نتیجه افراد، گرایش دارند تا مسئولیت خود را به شرکت‌های بیمه منتقل نمایند و بیمه‌های مسئولیت، تنوع فراوان یافته‌اند. پایه شکل گیری بیمه مسئولیت ماده ۴ قانون بیمه است که بیان می‌نماید: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی...». طرفین قرارداد بیمه مسئولیت عبارت‌اند از: بیمه‌گر به عنوان پوشش‌دهنده خطر؛ بیمه‌گذار به عنوان کسی که قرارداد بیمه را با بیمه‌گر منعقد نموده و حق بیمه را می‌پردازد؛ ثالث یا زیان دیده ناشی از عمل بیمه‌گذار. بنابراین با توجه به مؤلفه‌های یادشده، بیمه مسئولیت را می‌توان این چنین تعریف کرد: «قراردادی است که بر اساس آن یک طرف به عنوان بیمه‌گر و ارائه‌دهنده پوشش، متعهد می‌شود که در عوض گرفتن حق بیمه نسبت به جبران زیان‌های ناشی از فعالیت بیمه‌گذار اقدام نماید». در بیمه مسئولیت، «بیمه‌گذار» همان «بیمه‌شده» است. در واقع بیمه مسئولیت برای تأمین ضرایبی است که به‌واسطه اعمال بیمه‌گذار متوجه دارایی وی می‌گردد، اما انجام تعهد بیمه‌گر برای جبران خسارت بیمه‌گذار، مستلزم جبران خسارت از زیان دیده ثالث است. به عبارت دیگر، موضوع پوشش بیمه‌نامه مسئولیت، جبران زیان حاصل از اعمال و رفتار بیمه‌گذار است که باعث بروز زیان به اشخاص ثالث و تحقق مسئولیت مدنی خویش گردیده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ج). مفهومی که از این عقد ارائه شد، در راستا و منطبق با ماهیت عقد بیمه است، زیرا عقد بیمه، یک عقد معلق بوده و اجرای آن از طرف بیمه‌گر منوط به تحقق خطر موضوع بیمه است. بنابراین در بیمه مسئولیت، پیروی کردن مسئولیت بیمه‌گر از مسئولیت بیمه‌گذار ناشی از ماهیت قرارداد بیمه است.

در میان انواع بیمه‌های مسئولیت، بیمه شخص ثالث اتومبیل از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است. از جمله خصوصیات مهم بیمه‌نامه شخص ثالث عبارت‌اند از:

اجباری بودن انعقاد این نوع از قرارداد هم برای بیمه‌گذار و هم برای بیمه‌گر (مهمنه‌ترین ویژگی بیمه‌نامه شخص ثالث)، حاکم بودن قانون خاص بر این نوع از بیمه مسئولیت، برتری مصلحت عمومی و حمایت از امنیت روانی اقشار جامعه در تصویب قانون بیمه اجباری بر منافع اقتصادی و جنبه‌های تجاری عقد بیمه، پیوستگی مسئولیت دارنده با خطرات ناشی از وسیله‌نقلیه موضوع بیمه که از این ویژگی، نویسنده‌گان مختلف با عنوان مسئولیت نوعی، عینی، مسئولیت بدون تقصیر یا فرض تقصیر یاد کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج، ب؛ لوراسا، ۱۳۷۵). در اینجا ما به اعتبار اینکه قانون گذار بدون نیاز به احراز تقصیر و صرفاً به دلیل ورود ضرر ناشی از وسیله نقلیه اقدام به شناسایی مسئولیت کرده است، اصطلاح مسئولیت نوعی را به کارخواهیم برد.

گاهی خصوصیات بیمه شخص ثالث منجر به برداشت‌ها و تفاسیر متناقضی از قانون مزبور شده است. باید تأکید کرد که خصوصیات مزبور گرچه ممکن است در میزان و گستردگی مسئولیت و تعهدات بیمه‌گر مؤثر باشند (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج) ولی باعث تغییر ماهیت و نوع بیمه نمی‌شوند و همچنان از آن به بیمه‌نامه مسئولیت یاد می‌شود.

تبصره ۱ از ماده ۱ قانون بیمه شخص ثالث، دارنده را «اعم از مالک یا متصرف وسیله‌نقلیه» درنظر گرفته است و هر یک به عنوان بیمه‌گذار می‌توانند اقدام به انعقاد قرارداد بیمه با بیمه‌گر نمایند. در بسیاری از موارد راننده مقص، شخصی غیر از بیمه‌گذار بوده و قراردادی با بیمه‌گر ندارد، ولی طبق قانون بیمه شخص ثالث این مسئله باعث محرومیت زیان دیده از پوشش بیمه‌نامه نیست، زیرا بیمه‌نامه مسئولیت برای وسیله نقلیه خریدار شده و خطرات ناشی از وسیله‌نقلیه حین رانندگی را صرف‌نظر از اینکه چه کسی راننده آن باشد، پوشش می‌دهد. تعهد بیمه‌گر ناشی از مصلحت‌اندیشی قانون برای جبران خسارات زیان دیدگان ثالث است و این دال بر «ثالث» یا «بیمه‌شده» تلقی کردن راننده مقص حادثه نمی‌شود.^۱ به همین دلیل راننده مقص‌ی که بیمه‌گذار نیست و خسارت را به زیان دیده پرداخته است، به علت فقدان رابطه قراردادی نمی‌تواند مبلغ پرداخت شده به زیان دیده را از بیمه‌گر مطالبه کند. در حالی که در مورد بیمه‌گذار این محدودیت وجود ندارد. گرچه نظر مخالف نیز طرفداران کمی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج) ولی نظر اخیر را تبصره ۲ و ۶ ماده ۱ قانون اصلاح قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷ تأیید نماید.

گاهی در حوادث رانندگی، شخص کشته شده مورث راننده مقص است. راننده مقص به استناد بیمه‌نامه شخص ثالث و ماده ۸۸۰ قانون مدنی که قتل غیر عمدی را مانع ارث نمی‌داند، جهت اخذ دیه متوفی علیه شرکت بیمه‌گر طرح دعوا می‌نماید. در چنین موقعی، صرف‌نظر از اینکه راننده مقص، بیمه‌گذار باشد یا خیر، در مورد ثالث محسوب شدن وی، اختلاف نظر وجود دارد. اینکه بیمه‌گر موظف به پرداخت دیه متوفی به مقص حادثه می‌باشد یا خیر، هر کدام موافقان و مخالفانی دارد که در بخش‌های پیش رو به این اختلاف خواهیم پرداخت.

نظر موافقان پرداخت

این گروه مبنا و اساس پرداخت خسارت توسط بیمه‌گر را الازم قانونی می‌دانند. از دیدگاه آنها فلسفه وجودی قانون بیمه شخص ثالث بنابر مصالح اجتماعی، جبران نسی ضرر زیان دیده یا خانواده وی و همینطور جلوگیری از زیان مالی شدید مقص حادثه است و در صورتی که مقص حادثه خود در جرگه خانواده قربانی قرار بگیرد، وی هم تحت این پوشش قرار خواهد گرفت، زیرا با توجه به منطق استدلال یادشده، مقص حادثه در هر دو گروه مورث حمایت قانون قرار دارد و به طریق اولی باید به عنوان حمایت‌شونده از دو سو از حکم این قانون بهره‌مند باشد. از طرفی با توجه به اینکه مطابق ماده ۸۸۰ قانون مدنی فقط قتل عمد مانع ارث می‌باشد و قتل در حوادث رانندگی، قتل عمد محسوب نمی‌شود، لذا راننده مقص از دیه مورث مقتول خود محروم نشده و ارث می‌برد.

از سوی دیگر ویژگی مهم بیمه مسئولیت منعقده تحت قانون بیمه شخص ثالث که از آثار تعهد به نفع شخص ثالث می‌باشد، امکان مطالبه مستقیم زیان دیده از بیمه‌گر است (کاتوزیان، ۱۳۷۶). بنایارین با وجود این امکان فرقی نمی‌کند که چه کسی (حتی اگر مقص حادثه باشد) در جایگاه زیان دیده به بیمه‌گر مراجعه نماید. بیمه‌گر بنابر وظیفه قانونی و قراردادی ملزم به پرداخت خسارت است و این مسئله که بیمه‌گر از جانب چه کسی پرداخت می‌کند آنچنان محل پرسش نیست؛ مالک، راننده یا هر دارنده دیگر که قرارداد بیمه مسئولیت را با بیمه‌گر منعقد

^۱. ذکر این نکته شاید لازم است که بیمه‌نامه شخص ثالث دارای پوشش حوادث سرنشین نیز است که برای جبران خسارات جانی راننده مقص حادثه پیش‌بینی شده است و مباحث مربوط به این پوشش بیمه‌نامه مسئولیت در قبال ثالث، آمیخته شود.

کرده باشد، بیمه‌نامه برای وسیله‌نقلیه خردباری شده است (ماده یک قانون اصلاح قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷) و بیمه‌گر به موجب قانون بیمه شخص ثالث ملزم به جبران خسارت وارد ناشی از وسیله نقلیه مورد بیمه است.

در واقع مطابق ماده ۱ قانون اصلاح قانون بیمه شخص ثالث، صرف نظر از اینکه طرف عقد بیمه چه شخصی باشد، بیمه‌نامه برای وسیله نقلیه خردباری شده و پرداخت بیمه‌گر توأمان بنا بر تعهدات قراردادی و قانونی صورت می‌گیرد. لذا مبانی نظریه خطر بر ماده ۱ بیمه شخص ثالث حاکم است و خسارت از محل بیمه‌نامه به هر کسی که زیان دیده قلمداد شود، قابل پرداخت است. این در حالی است که مقتن در ماده ۴ قانون اینمی راهها پا را فراتر نهاده و از نظریه تضمین حق پیروی کرده است و بیمه‌گر را در هر صورتی حتی با تقصیر زیان دیده موظف به جبران خسارت کرده است. در واقع موافقان پرداخت خسارت به مقصرا حادثه با تمکن به قوانین یادشده و این امر که بیمه‌نامه برای وسیله نقلیه خردباری شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج) با تسری مسئولیت نوعی دارنده به بیمه‌گر، به محض ورود خسارات ناشی از وسیله نقلیه، پوشش موضوع بیمه را محقق شده فرض می‌کنند و خسارت را از بیمه‌گر قابل مطالبه می‌دانند، حتی اگر این مطالبه از سوی مقصرا حادثه صورت گیرد.

همچنین از نظر موافقان پرداخت دیه، اگرچه اصولاً بیمه شخص ثالث، بیمه‌نامه مسئولیت است اما قرارداد بیمه شخص ثالث علاوه بر ویژگی پوشش مسئولیت، واحد ویژگی‌های دیگری نیز است. این بیمه‌نامه دارای ویژگی‌هایی متتشکل از بیمه‌نامه مسئولیت و حوادث است و تأکید صرف بر بیمه مسئولیت و نادیده گرفتن ویژگی‌های دیگر این بیمه‌نامه مخالف روح حاکم بر قانون بیمه شخص ثالث است. هدف این قانون جبران خسارت زیان دیده است و اگر با تفسیر بیمه‌نامه در چهارچوب بیمه‌نامه مسئولیت امکان پرداخت نباشد با یاری گرفتن از سایر ویژگی‌های بیمه‌نامه می‌توان خسارت را پرداخت نمود، زیرا در بیمه حوادث زیان وارد هست اگر ناشی از قصور خود بیمه‌گذار باشد قابل جبران بوده و در سایر بیمه‌های اشخاص نیز جز در موارد استثنایی خسارت ناشی از خطای بیمه‌گذار قابل جبران است. بنابراین پرداخت خسارت از طرف بیمه‌گر به مقصرا حادثه اگر هم با ویژگی مسئولیت بیمه‌نامه منافات داشته باشد، منافاتی با خصوصیت پوشش حوادث ندارد.

نظر مخالفان پرداخت

بیمه، قرارداد انتقال ریسک و معلق به تحقق خطر است، یعنی با وقوع حادثه زیانبار، مسئولیت بیمه‌گر در جبران خسارت محقق می‌شود. در میان انواع قراردادهای بیمه، موضوع پوشش بیمه مسئولیت، جبران خسارت‌هایی است که از کردار بیمه‌گذار ناشی شده و به اشخاص ثالث آسیب رسانده باشد. مسلماً این بیمه‌نامه خسارت‌های مالی و جانی وارد به خود بیمه‌گذار را دربرینمی‌گیرد و این خسارات خارج از چهارچوب بیمه مسئولیت است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج). هدف قانون بیمه شخص ثالث نیز پوشش زیان‌های وارد به افراد ثالث است و امکان جبران خسارت از مقصرا حادثه به استناد قانون بیمه شخص ثالث و بیمه‌نامه مسئولیت وجود ندارد. در واقع بیمه مسئولیت در بستر ارکان مسئولیت مدنی صادر می‌شود و همانطور که از نظر حقوق حاکم بر مسئولیت مدنی مشخص است، اشخاص در مقابل خودشان مسئول نیستند و در این خصوص بیمه‌نامه نیز پوشش ندارد. این مسئله از نظر فقهی هم مورد تأیید است، زیرا بر پایه «قاعده اقدام»، شخص به‌واسطه خطای خودش نمی‌تواند از کسی مطالبه خسارت نماید. رأی شعبه ۱۹ دادگاه بدوف تهران در دعواه م.ک. علیه شرکت بیمه ایران مؤید این نظر است. در این پرونده خواهان، مقصرا حادثه‌ای بود که منجر به قتل فرزند خود شده بود و به استناد قانون بیمه شخص ثالث، تقاضای دریافت دیه از شرکت خوانده را داشت که دادگاه مقرر نمود: «... زیان‌رساننده نمی‌تواند دریافت کننده خسارت باشد... لذا دادگاه دعواه خواهان را متکی به مبانی حقوقی و قانونی ندانسته و مستنداً... حکم به بطلان دعواه وی صادر...». (دعواه م.ک. علیه شرکت بیمه ایران، ۱۳۹۰).

به نظر این گروه مبنای پرداخت خسارت در قانون بیمه شخص ثالث هیچ شباهتی با مبنای ماده ۴ قانون اینمی راهها ندارد. حکم ماده ۴ قانون اینمی راهها حکمی خاص است؛ زیرا بر هیچ اصل و تحلیل حقوقی مبتنی نیست. صرفاً مصلحت اجتماعی و اقتصادی مبنای این ماده بوده است، زیرا مطابق این ماده حتی اگر بیمه‌گذار مقصرا حادثه نباشد باز هم بیمه‌گر مسئول جبران خسارات زیان دیده است. درحالی که قانون بیمه شخص ثالث این چنین نیست، زیرا حقوقدان و نیز رویه دادگاهها قانون بیمه شخص ثالث را در تعامل و رابطه با قوانین دیگر و قواعد عمومی مسئولیت تحلیل کرده و مورد استناد قرار می‌دهند (کاتوزیان، ۱۳۸۱). احراز مسئولیت به‌وسیله دادگاه صورت می‌گیرد و پس از ارائه دادنامه صادر و اثبات مسئولیت راننده به‌واسطه استفاده از وسیله نقلیه است که بیمه‌گر دیه را پرداخت می‌کند. بنابراین از آنجاکه ماده ۴ قانون اینمی راهها بر خلاف مبانی مسئولیت مدنی و مبانی مورد نظر قانون بیمه شخص ثالث است، حکمی استثنایی بوده و به موارد غیر، تسری پیدا نمی‌کند و در تعیین نظام حقوقی حاکم بر بیمه شخص ثالث، نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد.

امکان مراجعة مستقیم زیان دیده به بیمه‌گر علاوه بر اینکه نوعی تسهیل قانون‌گذار به‌خاطر مصالح اجتماعی است (خدابخشی شلمزاری، ۱۳۸۴)، مبنای بر تحلیل حقوقی نیز است. چراکه این سخن در ماهیت عقد بیمه مسئولیت نهفته است؛ بیمه‌گر متعهد به پرداخت خسارت

ناشی از مسئولیت بیمه‌گذار است و بدون مطالبه خسارت، احراز مسئولیت میسر نیست و بدون احراز این مسئولیت، امکان جبران خسارت هم وجود ندارد، زیرا بدون ارائه مدارک دال بر مسئولیت بیمه‌گذار به بیمه‌گذار به بیمه‌گذار، احراز مسئولیت بیمه‌گذار ممکن نیست و در واقع به همراه همین مطالبه و ارائه مدارک است که زیان‌دیده کار احراز مسئولیت را انجام می‌دهد. ورود خسارت به زیان‌دیده از طرف بیمه‌گذار باعث می‌شود بیمه‌گذار به صورت بالقوه مسئول جبران خسارت زیان‌دیده شود ولی تا زمانی که زیان‌دیده از وی خسارت را مطالبه نکرده است، ضرری دارایی بیمه‌گذار را تهدید نمی‌کند. با مطالبه زیان‌دیده، موضوع قرارداد بیمه مسئولیت یعنی تهدیدی دارایی بیمه‌گذار از حالت قوه به فعل در می‌آید. به عبارتی همیشه این احتمال وجود دارد که زیان‌دیده جبران خسارت خود را مطالبه ننماید (محمود صالحی، ۱۳۸۳). بنابراین امکان مراجعه مستقیم به بیمه‌گر باعث حذف حلقه مسئولیت مقصص اصلی حادثه نمی‌شود و صرفاً تسهیل قانون‌گذار برای جبران خسارات زیان‌دیده است و محمولی برای انتفاع مقصص از قصور خویش محاسب نمی‌شود.

در مورد ویژگی‌های خاص بیمه شخص ثالث که دارای جنبه‌های چندگانه اعم از بیمه‌نامه‌های مسئولیت و حوادث است، گفته شده اصولاً بیمه شخص ثالث همانطور که از نام آن پیداست بیمه‌نامه مسئولیت و پوشش آن برای افراد ثالث است، ولی قانون‌گذار در موارد خاصی بنابر مصالحی (تبصره ۲ ماهه ۴ قانون اصلاح قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷) آن را مشمول بیمه حوادث نموده است. در غیر موارد مزبور همچنان قواعد بیمه مسئولیت بر بیمه‌نامه شخص ثالث حاکم است.

ایراد دیگر بیمه‌گران به ادعای پرداخت خسارت از محل بیمه‌نامه شخص ثالث، تحقق مالکیت مافی‌الذمه است. جمع دو عنوان بدھکار و طلبکار در یک شخص یا جمع آمدن دو وصف طلب و بدھی در یک دارایی، شرایطی است که باعث تحقق مالکیت مافی‌الذمه می‌شود. با توجه به اینکه مالکیت مافی‌الذمه سبب می‌شود تا بدھکار ذمه خویش را مالک شود، بنابراین همین تداخل دارایی‌ها باعث برائت او و سقوط تعهد است (کاتوزیان، ۱۳۷۹). در موضوع اختلاف نیز مقصص حادثه که خود هم بدھکار دیه و هم اولیای دم قربانی و مستحق اخذ دیه است، مالک فی‌الذمه خود شده و تعهد وی به پرداخت دیه ساقط می‌شود و شرکت بیمه نیز با سقوط مسئولیت معهده اصلی، مسئولیتی برای پرداخت ندارد.

از زیابی نظرات

با توجه به استدلال موافقان و مخالفان به نظریه رسد یافتن مبنای الزام بیمه‌گر به جبران خسارت می‌تواند مشکل‌گشا باشد. می‌دانیم که بیمه‌گران مطابق قانون بیمه شخص ثالث و قرارداد بیمه‌نامه شخص ثالث و در قالب مقررات دیه مندرج در قانون مجازات اسلامی اقدام به جبران خسارت می‌نمایند. یعنی مبنای تعهدات بیمه‌گران، ترکیبی از الزامات قانونی و قراردادی است. لذا بررسی موضوع تحت هر یک از الزامات مزبور ما را در یافتن پاسخ یاری می‌رساند.

از لحاظ جایگاه قانون بیمه شخص ثالث

از دیدگاه کلاسیک مسئولیت مدنی و قاعده اقدام، برای مقصص نمی‌توان حقیقی قائل بود. با وارد شدن منبع جدیدی به نام قانون بیمه شخص ثالث و وارد شدن نقش بیمه‌گر در وادی پرداخت خسارت، تردیدها آغاز می‌شود، زیرا این‌بار پرداخت‌کننده و گیرنده دیه یک شخص نیستند و بیمه‌گر از باب پوشش اجتماعی و اجباری پرداخت می‌کند و مقصص، مدعی دریافت آن است. بنابراین باید مشخص گردد که یک حادثه تا چه حدودی در حیطه پوشش ضرورت اجتماعی مستتر در قانون بیمه شخص ثالث است و چه زمانی باید از منابع کلاسیک مسئولیت مدنی کمک گرفت.

در قانون سال ۱۳۴۷ نخست، دارنده، مسئول شناخته می‌شد و سپس تأمین آن خسارت بر عهده شرکت بیمه‌گر نهاده می‌شد. در حالی که ماده ۱ قانون اصلاح بدون اینکه به مسئولیت دارنده کوچک‌ترین اشاره‌ای داشته باشد، بیمه‌گر را مکلف به پرداخت نموده است. در نگاه نخست به ماده ۱ بیمه شخص ثالث می‌توان نتیجه‌گیری نمود که از نظریه خطر پیروی کرده است؛ حذف صدر ماده ۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب سال ۱۳۴۷ در قانون اصلاح مصوب ۱۳۸۷ نیز مؤید این استنباط است. ولی باید گفت که وجود تبصره ۲ ماده ۱ که اشعار می‌دارد: «مسئولیت دارنده وسیله نقلیه مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است، نمی‌باشد.»؛ موادی مانند ماده ۵ در قانون سال ۱۳۴۷ شخص ثالث و ماده ۶ و ۵ در قانون جدید مبنی بر مراجعت به مقصص حادثه؛ همچنین شیوه پرداخت خسارت از جمله مراحل صدور حکم به محکومیت مقصص در حوادث رانندگی و احراز تقصیر وی از سوی دادگاه، همگی نشان‌دهنده این است که قانون‌گذار و رویه قضایی از نظریه خطر یا تضمین حق به طور مطلق پیروی نکرده‌اند. چون با شناسایی نظامی که در آن بدون احراز مسئولیت مقصص بتوان

به وسیله بیمه به جبران خسارت پرداخت، جامعه با سیل سهمگینی از افرادی مواجه می‌شود که با سهل‌انگاری، جان تک‌تک افراد اجتماع را تهدید می‌کنند. این امر باعث گسترش حوادث رانندگی و نقض غرض قانون گذار خواهد شد (خداخشناسی شلمزاری، ۱۳۸۴) و در نهایت تمام بنیانی که قانون بیمه شخص ثالث از لحاظ حفظ مصلحت عمومی و حمایت از امنیت خاطر مردم بر آن بنا نهاده شده، فرو خواهد ریخت (کاتوزیان، ۱۳۸۷). بنابراین همان مصلحت اجتماعی که نسبت به جبران خسارت زیان دیده در قانون مزبور وجود دارد در مورد پیشگیری و جلوگیری از گسترش خسارات نیز وجود دارد.

از سوی دیگر باید گفت که هدف وضع قانون بیمه شخص ثالث برای جبران خسارت اشخاص ثالث بوده و طبق صراحت تبصره ۶ ماده ۱ قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۷۸ امکان قرار گرفتن راننده مقصراً حادثه در جرگه شخص ثالث وجود ندارد. لذا استفاده از پوشش بیمه‌نامه شخص ثالث نیز- حتی با تفاسیر ارائه شده در خصوص مصالح اجتماعی- برای راننده مقصراً میسر نیست.

در خصوص حذف صدر ماده ۱ قانون بیمه شخص ثالث اجباری سال ۱۳۴۷ نیز اگر نسبت کم دقیقی را به قانون گذاران وارد ندانیم، باید گفت که از جهت پرداختن به اصل موضوع که حمایت بیمه‌ای از زیان دیدگان است و از جهت قصد قانون گذار در حل مشکلات اجرایی قانون بیمه اجباری پیشین، قابل توجیه است. از طرفی تبصره ۲ ماده ۱ قانون سال ۱۳۸۷ مسئول نهایی حادثه را کسی می‌داند که حادثه منتبه به فعل یا ترک فعل اوست، لذا تعیین مسئول حادثه از نظر قانون گذار حائز اهمیت بوده است. در واقع قانون گذار با آنکه قصد جبران خسارت از زیان دیده را داشته برای جلوگیری از سوء استفاده راننده مقصراً از بیمه‌نامه شخص ثالث همچنان پایه و مبنای الزام بیمه‌گر را نظریه تقصیر قرار داده است.

مضافاً اینکه بیمه‌گر یک شخص حقوقی است و به همان اندازه که دارای تکالیف اجباری در قوانین بیمه‌ای است، دارای حقوقی نیز است. در واقع مطابق قانون اساسی و قوانین موضوعه، بیمه‌گر جز در مواردی که طبیعتاً با ماهیت شخص حقوقی معارض است، دارای همه حقوق شناخته شده برای اشخاص حقیقی است (ماده ۵۸۸ قانون تجارت). بنابراین اگر قانونی که هدف آن حمایت از زیان دیدگان است، تبدیل به ابزاری برای انتفاع خطاکاران جامعه شود، بیمه‌گر نیز مانند هر شخص حقیقی دیگری می‌تواند، با استناد به قواعد مسئولیت مدنی، خود را از تعهدات ناعادلانه برهاشد.

از لحاظ مقررات حاکم بر دیه به عنوان خسارت

می‌دانیم که دیه ماهیتی دوگانه دارد؛ از طرفی دیه مجازات است، زیرا برای جرم تعیین گردیده و از سوی دیگر به زیان دیده پرداخت می‌شود که چهره خسارت را دارد.

در اینجا دیه را باید خسارت تعريف کرد، زیرا مجازات کیفری به علت مخالفت با نظم عمومی اساساً قابلیت قرار گرفتن تحت پوشش بیمه را ندارد و دیه مقرر توسط دادگاه کیفری برای حوادث رانندگی صرفاً دارای جنبه خسارتی و مدنی است. بنابراین دیه پرداختی توسط شرکت بیمه‌گر باید در چهارچوب مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷).

دیه از مقصراً حادثه گرفته می‌شود و قواعد حاکم بر دیه از مبانی تقصیر پیروی می‌کند. در واقع طبق مقررات دیه به حجز در موارد استثناء همچون بحث عاقله نمی‌توان از کسی غیر از مقصراً، دیه را مطالبه نمود. تعهدات بیمه‌گر در بیمه‌نامه شخص ثالث از سیستم پرداخت دیه قانون مجازات اسلامی پیروی می‌نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۷). در سیستم‌های جبران خسارت اغلب کشورها میزان خسارت بدنی از ابتدا مشخص نیست و پس از حادثه و رسیدگی و با سنجش عوامل مختلف از جمله میزان درآمد، هزینه‌های احتمالی ناشی از صدمات روحی و... معین می‌شود (نوذری، ۱۳۸۸). لذا با وجودی که بیمه‌نامه، سقف مشخصی دارد ولی میزان خسارت احتمالی تعیین شده در صورت مرگ یا آسیب دیدن فرد ثالث و اینکه سقف بیمه‌نامه، میزان خسارت تعیین شده را پوشش خواهد داد یا نه معلوم نیست. در ایران میزان خسارت بدنی در قالب دیه از پیش تعیین شده است و تنها احرار میزان آسیب، موضع آسیب دیده، انتساب ورود خسارت به مقصراً و احراز تقصیر توسط پژوهشی قانونی و دادگاه صورت می‌گیرد. بیمه شخص ثالث این میزان را پوشش می‌دهد و معمولاً هر ساله بیمه‌گران، سقف تعهدات بیمه‌نامه را براساس نرخ اعلامی دیه بالا می‌برند و تعهداتشان نیز وفق مقررات دیه محقق می‌شود. بنابراین نظام حاکم بر مسئولیت بیمه‌گران از لحاظ فرایند پرداخت خسارت حوادث رانندگی از قواعد عمومی مسئولیت مدنی و مبانی تقصیر پیروی می‌کند. در واقع اگر مقصراً حادثه خود تنها باقی‌مانده متوفی باشد، مسلمانه نمی‌تواند در دادگاه کیفری برای اخذ دیه، علیه خوبیش شکایت نماید و چون در ایران، تعهد بیمه‌گر پرداخت دیه‌ای است که مقصراً محکوم شده و پرداخت وی به پیروی از مقررات دیه صورت می‌گیرد، بنابراین مطالبه دیه توسط مقصراً حادثه از بیمه‌گر، که گسترده مسئولیتش جبران خسارات وارد توسط مقصراً به دیگران است، با منع قانونی مواجه است.

از لحاظ قراردادی و تحقق مالکیت مافی الذمه

گرچه در رویه قضایی هنوز دیدگاهی مطرح نشده است که ایراد مالکیت مافی الذمه مطرح شده از سوی بیمه‌گران را پاسخ گوید، ولی در مقابل ایراد مالکیت مافی الذمه ممکن است این نظر بیان شود که اساساً مالکیت مافی الذمه باعث سقوط حق نیست، زیرا مالکیت مافی الذمه خصوصیات همسان با وفای به عهد و سایر موارد سقوط تعهد را ندارد. در وفای به عهد، تعهد اجرا می‌شود و امکان الزام متعدد به انجام دوباره تعهد وجود ندارد، بنابراین سقوط تعهد اثر انجام تعهد است، اما در مالکیت مافی الذمه آنچه که باعث شده امکان انجام تعهد نباشد، مانع است که در راه اجرای تعهد به وجود آمده و اصل حق از بین نرفته است و با زوال مانع، اصل تعهد نیز بر می‌گردد و در اینجا مانع مربوط به مقصرب به بیمه‌گر سرایت نمی‌کند. بنابراین ایراد مالکیت مافی الذمه وارد نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۹).

طبق این استدلال چون مسئولیت بیمه‌گر ناشی از قانون است و پرداخت خسارت ناشی از وسائل نقلیه طبق قانون بیمه اجباری مستقیماً بر عهده بیمه‌گر نهاده شده است و از آغاز برای مقصرب، مسئولیتی متصور نمی‌باشد و نظر به اینکه مالکیت مافی الذمه «التزام به تأديه» را ساقط می‌کند ولی اصل تعهد و مسئولیت را از بین نمی‌برد، بنابراین اصل تعهد باقی است و التزام به تأديه هم که در اینجا از سوی قانون گذار بر عهده بیمه‌گر نهاده شده است، با مانع مواجه نیست، لذا خسارت از بیمه‌گر به مقصرب قابل پرداخت است.

به‌نظرمی‌رسد که نظام حمایت از زیان‌دیدگان در قالب قرارداد بیمه مسئولیت (فرعی‌بودن مسئولیت بیمه‌گر) پذیرش استدلال یادشده را دشوار می‌نماید. زیرا برخلاف کشورهایی مانند عراق (ماده ۱ بیمه اجباری عراق مصوب ۱۹۸۰) که هر اتومبیل خودبه‌خود حتی بدون وجود بیمه‌نامه نیز در قبال حوادث ناشی از آن بیمه است (پیروی از نظریه تضمین حق) در حقوق ایران قرارداد بیمه برای وسائل نقلیه معنقد می‌شود (اما می‌بور، ۱۳۸۰). وسیله نقلیه‌ای که بیمه‌نامه نداشته باشد، فاقد پوشش محسوب می‌شود. در واقع تعهدات بیمه‌گران علاوه بر پایه قانونی از پایه قراردادی نیز برخوردار است. به عبارت دیگر گرچه هریک از مبانی قانونی و قراردادی به تنها‌ی برای الزام بیمه‌گران لازم هستند ولی شرط کافی محسوب نمی‌شوند و باید توأمان محقق گردد.

از طرفی استدلال عدم اسقاط حق به‌واسطه مالکیت مافی الذمه در پاسخ به این پرسش که چگونه مورد تعهد قابل اجرا به نفع متعهد است، مشکل گشای نیست. زیرا با عوض شدن فردی که خسارت را می‌پردازد (ملزم به تأديه) مقصرب همچنان متعهد اصلی باقی می‌ماند و جای متعهد و متعهدله عوض نمی‌شود. حتی اگر متعهد در جایگاه قائم مقام عام قربانی باشد و به فلسفه حمایتی قانون بیمه شخص ثالث و مسئولیت مستقیم بیمه‌گر در ماده ۱ قانون یادشده نیز استناد شود، باز همچنان تبصره ۲ و ۶ ماده ۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷ مانع تکوین شخصیت متعهدله در شخص راننده مقصرب و متعهد است و گرفتن خسارت از محل پوشش جانی بیمه‌نامه شخص ثالث برای مقصرب ناممکن است.

از لحاظ مقررات / رث

ارث، حق بازماندگان نسبت به اموال متوفی است و تحقق آن با مرگ مورث است (ماده ۸۶۷ قانون مدنی) و نیازی به اعلام اراده یا عمل حقوقی خاصی ندارد. البته باید در نظر داشت که اصولاً بحث ارث و استحقاق یا عدم استحقاق وارث پس از بررسی و تعیین ذی‌نعم دریافت‌کننده و مشخص نمودن طلب و بدھی ترکه مشخص می‌شود و این امر منافاتی با خصوصیت قهری‌بودن ارث ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۰)؛ زیرا مقررات ارث بر اموال به‌جا مانده از متوفی (ترکه) اعمال می‌شود و در جایی که هنوز مالی داخل در ترکه قرار نگرفته و حق ورثه نسبت به آن استقرار نیافته است، بی‌گمان اعمال مقررات ارث نیز بر آن سالبه به انتفاع موضوع است. وجود شخصیت حقوقی و مستقل ترکه این استدلال را قوت می‌بخشد، زیرا پس از مرگ متوفی به‌واسطه تقصیر راننده، وی بدھکار دیه به ترکه است و دیه در ترکه استقرار نیافته است (کاتوزیان، ۱۳۸۰). بنابراین با توجه به مطالب بخش پیشین در خصوص مالکیت مافی الذمه، سخن گفتن از توارث و توصل به مفهوم مخالف ماده ۸۸۰ قانون مدنی، مبنی بر اینکه قتل غیرعمدی مانع ارث نمی‌باشد، جایگاهی ندارد. زیرا گذشته از اینکه در قتل غیرعمد، ارث‌بردن قاتل از دیه مقتول بین فقهاء مورد اختلاف است (محمدی، ۱۳۶۰)، از نظر قواعد مسئولیت مدنی هم ارث‌بردن مقصرب پذیرفتی نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۰). به‌نظرمی‌رسد حتی با فرض اینکه قاتل غیرعمد قاتل غیرعمد ارث‌بردن را داشته باشد، باز هم چون مقصرب حادثه بوده و متعهد اصلی پرداخت خسارت است و باید دیه را به خودش به‌عنوان بازمانده متوفی پرداخت کند، به علت وقوع مالکیت مافی الذمه و سقوط تعهد، نوبت به اعمال قواعد توارث و ماده ۸۸۰ قانون مدنی نمی‌رسد. اختلافی هم که در فقه در خصوص استحقاق قاتل غیرعمد نسبت به دیه وجود دارد، ناخواسته از این موضع برخاسته است، زیرا خود قاتل که موظف به پرداخت دیه است، چگونه می‌تواند خودش از مبلغ پرداختی خودش ارث ببرد. در واقع منظور فقهاء در خصوص مباحث مربوط به ارث‌بردن قاتل غیر عمد، متوجه مادرک بجا مانده از متوفی بوده و در مقام بیان تشریح وضعیت ارث بوده‌اند، نه در

مقام بیان قواعد ضمان و مسئولیت. این نظر را یکی از شعب دادگاه تجدیدنظر در دعای ع.م. علیه شرکت بیمه ایران به طور ضمنی پذیرفته است. در این دعوا که خواهان، راننده مقصو حادثه بود و باعث کشته شدن همسر و فرزند خود شده بود، دادگاه پژوهشی در نقض دادنامه بدوى مقرر داشت: «قتل غیرعمد بنا به فتواهای عظام مانع از ارتقای قاتل در خصوص دیه مترتبه است و توجهات فتاوی امام خمینی ره در جلد دوم تحریرالوسیله صفحه ۳۶۷ و فتاوی آقایان عظام محمدتقی بهجت، سیدعلی سینایی، لطف الله صافی گلپایگانی و محمدفضل لنکرانی در سال ۱۳۸۱ رای صادره مخدوش بوده نقض و حکم به بی حقی وی صادر می‌گردد...» (دعای ع.م. علیه شرکت سهامی بیمه ایران، ۱۳۹۰). در واقع ماده ۸۸۰ قانون مدنی و نظریات فقهی مرتبط با آن صرفاً در مقام بیان عدم قابلیت ارتقای قاتل عدم و امکان ارتقای قاتل غیر عمد از ماترک مقتول بوده است، نه در مقام بیان تحقیق حق یا تثبت حقوق احتمالی قاتل در ترکه. به بیان دیگر ماده ۸۸۰ قانون مدنی در خصوص اینکه چه چیزی وارد در ترکه است و چه چیزی از آن خارج می‌باشد، سخن نمی‌راند؛ اینکه شخصیت بدھکار دیه و طلبکار دیه در یک شخص جمع شده است، ارتباطی به قواعد ارتقای ندارد. این امر مقدم بر اعمال مقررات ارتقای است و در بخش قواعد عمومی قراردادها و در بخش مالکیت مافی‌الذمه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در اینجا ذکر این نکته مفید است که در صورت وجود وارثانی غیر از راننده مقصو حادثه، سهم آنان طبق مقررات ارتقای قابل پرداخت است و عدم استحقاق مقصو حادثه از دریافت خسارت به دیگر وراث تسری پیدا نمی‌کند.

نتایج و بحث

با بررسی قوانین مرتبط با تصادفات راننده‌گی اعم از قانون بیمه شخص ثالث، قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی، در می‌یابیم که قصد قانون‌گذار در حفظ تعادل بین حمایت از زیان دیده و جلوگیری از گسترش خطرات با اعمال بینایینی نظریه تقصیر و خطر است. اصل مسئولیت بیمه‌گر در پرداخت خسارت توأم‌ان به حکم قانون و قرارداد و به تبع مسئولیت نوعی راننده، جهت جبران خطرات ناشی از وسیله نقلیه است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج). ولی میزان و حدود مسئولیت بیمه‌گر، صرف نظر از اینکه بیمه‌گذار وی چه کسی باشد، با حقوق و تعهدات راننده پیوند خودرده است، زیرا حکم محکومیت نسبت به پرداخت دیه برای راننده صادر می‌شود. بنابراین می‌توان مسئله را در دو فرض مطرح ساخت؛ فرض اول آن است که راننده مقصو، بیمه‌گذار نیز هست و رابطه قراردادی با بیمه‌گر دارد. در این فرض با توجه به اینکه بیمه‌گذار در مقابل خود مسئول است، لذا به استناد مالکیت فی‌الذمه تعهد وی ساقط شده و بیمه‌گر نیز به تبع عدم مسئولیت بیمه‌گذار، مسئولیتی ندارد. حتی در این فرض می‌توان گفت که با توجه به ماهیت بیمه‌گذار از مسئولیت مدنی بیمه‌گذار در قبال اشخاص ثالث را پوشش می‌دهد، ادعای جبران خسارت، خارج از پوشش بیمه‌نامه است.

در فرض دوم، راننده رابطه قراردادی با بیمه‌گر ندارد و بیمه‌گذار محسوب نمی‌شود. در ظاهر از آنچاکه در این فرض بیمه‌گذار خود پرداخت نمی‌کند، بنابراین نمی‌تواند به مالکیت مافی‌الذمه استناد نماید، زیرا اسقاط تعهد راننده در مقابل خودش، ارتباطی به وظیفه قانونی بیمه‌گر در قبال اشخاص ثالث ندارد. اما در این فرض نیز اگرچه مسئولیت بیمه‌گر، ناشی از خطر وسیله نقلیه و الزام قانونی است، ولی امکان مطالبه از وی منوط به بروز خطر موضوع قرارداد و تعیین میزان و حدود مسئولیت مقصو است، بنابراین زمانی که خود مقصو، تعهدی در پرداخت نداشته باشد؛ از دارنده نیز نمی‌تواند مطالبه کند، بیمه‌گر نیز تعهدی در پرداخت ندارد.

از طرفی استناد به ماده ۸۸۰ قانون مدنی توسط راننده‌گذار مقصو جهت دریافت دیه مورث مقتول از بیمه‌گر، موحد نوعی پیش‌داوری است. زیرا پیش از آنکه مقصو، دیه را از ترکه طلبکار باشد، معادل آن را به ترکه بدھکار است. به بیان دیگر آنچه را که وی مدعی دریافت است، اصولاً به علت سقوط تعهد، وارد ماترک مورث وی نشده است تا مقصو بتواند از آن ارتقای ببرد.

بی‌شک این استدلال که فلسفه قانون بیمه شخص ثالث حمایت از زیان دیده ثالث است و چون دیه از طرف بیمه‌گر پرداخت می‌شود، بنابراین بدون توجه به اینکه مسبب حادثه چه کسانی باشند و اعم از اینکه در حادثه زیانبار دخالت داشته باشند یا نه بیمه‌گر موظف به پرداخت است؛ درست نمی‌باشد. زیرا مقصو حادثه از نظر این قانون ثالث محسوب نمی‌شود. از طرفی هنگام تفسیر قوانین بهویژه قانون بیمه شخص ثالث نباید راه افراط را در پیش گرفت و جنبه حمایتی قانون را تا آنجا گسترش داد که هدف و موضوع قانون که حمایت از اشخاص ثالث است، تغییر پیدا کند و به مقصوین حوادث نیز سراحت پیدا کند. از نظر حقوقی نباید بدون وجود حکم قانونی صریح، تفسیری مخالف قانون گذار ارائه داد و موجبات به هم ریختن قواعد و اصول شناخته شده مسئولیت قهری و قراردادی را فراهم آورد. باید توجه کرد که در این قانون، زیان دیده، شخص ثالثی است که دخالتی در حادثه نداشته باشد. در غیراین صورت نباید از فردی که حادثه زیانبار اجتماعی محصول سهل‌انگاری و بی‌مسئولیتی وی است، طرفداری نمود و بی‌جهت موجبات انتفاع او را از تقصیر خویش فراهم ساخت. لذا در پرداخت خسارت از

محل بیمه شخص ثالث باید رویه معقول و منصفانه‌ای دربیش گرفت و نباید از ابزاری که قانون‌گذار برای جلوگیری از بروز مشکلات اجتماعی درنظر گرفته است، برای مقاصد غیر نظر مقتن استفاده نمود.

منابع و مأخذ

امامی‌پور، م. (۱۳۸۰). نگاهی به قانون بیمه شخص ثالث. *فصلنامه صنعت بیمه*، تابستان، صص ۵۶-۳۳.

ایزانلو، م. (۱۳۸۳). نظام جبران خسارت در بیمه مسئولیت مدنی. *رساله دکتری*، دانشگاه تهران، صص ۶-۱۵.

بوشهری، ج. (۱۳۸۳). حقوق جزا جبران خسارت، شرکت سهامی نشر، ج ۱، ص ۳۰.

خدابخشی شلمزاری، ع. (۱۳۸۴). دعوای مستقیم و رجوع زیان‌دیده به بیمه‌گر. *مجله پژوهش‌های حقوقی، پاییز و زمستان*، صص ۲۰۲-۱۹۰.

دعوای ع.م. علیه شرکت سهامی بیمه ایران، (۱۳۹۰). شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان فارس، رأی شماره ۱۰۱۴۶۸ مورخ ۹۰۰۹۹۷۷۱۲۰۱۰۱۴۶۸. ۹۰/۱۲/۲۷

دعوای م.ک علیه شرکت بیمه ایران، (۱۳۹۰). شعبه ۱۹ دادگاه بدوی تهران رأی شماره ۱۳۲۴ ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۷۹۰ مورخ ۹۰/۱۲/۲۲

کاتوزیان، ن. (۱۳۷۶). *قواعد عمومی قراردادها*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۳، چ ۴، صص ۹-۳۷۸.

کاتوزیان، ن. (۱۳۷۹). نظریه عمومی تمهدات، انتشارات دادگستر، ج ۱، ص ۴۰۷.

کاتوزیان، ن. (۱۳۸۰). درس‌هایی از شفعته و صیت ارث، انتشارات دادگستر، ج ۲، صص ۱۱۰-۱۲.

کاتوزیان، ن.، جنیدی، ل. غمامی، م. (۱۳۸۱). مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۴۵.

کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷) الف. مسئولیت مدنی، قواعد عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۸، صص ۹۰-۱۷۰.

کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷) ب. مسئولیت مدنی، مسئولیت‌های خاص و مختلف، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۸، صص ۱۰۸-۹۷.

کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷) ج. مسئولیت مدنی، بیمه مسئولیت، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، صص ۴۲-۷.

لوراسا، م. (۱۳۷۵). *مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتی*، تهران: نشر حقوقدان، ج ۱، ص ۴۰.

محمدی، الف. (۱۳۶۰). قتل از موانع ارث است. *محله حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران*، ش ۲۲، صص ۱-۲۱۰.

محمود صالحی، ج.ع. (۱۳۷۲). حقوق زیان‌دیدگان و بیمه شخص ثالث، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ج ۱، صص ۱۸۴-۴۶.

محمود صالحی، ج.ع. (۱۳۸۳). حقوق بیمه، تهران: انتشارات پژوهشکده بیمه، ج ۳، ص ۳۴-۳۳.

نوذری، ن. (۱۳۸۸). خسارات بدنی و قواعد حاکم بر جبران خسارت در حقوق انگلستان. *محله حقوقی داور، پاییز و زمستان*، صص ۲۸-۳۰.